

این مقاله در شماره ۱۲ ماهنامه مهندسی ارتباطات به چاپ رسیده است

رسانه های دیجیتال در خدمت تسخیر افکار عمومی

میثم دریوش

از فاجعه انسانی سومالی ، تحولات روز اروپا، انقلاب لیبی و مصر و نیز حوادث تروریستی در اقصی نقاط دنیا گرفته تا بحران اقتصادی آمریکا همه و همه به یک نقطه اشتراکی ختم می شوند "رسانه دیجیتال" و این به نوعی توانسته ضعف عمیق دولتها را در مقابله با آنچه بدان جرایم سایبری اطلاق می شود به اثبات رساند به عنوان مثال تنها دو نفر در انگلستان به جرم استفاده از فیس بوک و ترغیب مردم به تظاهرات به چهار سال زندان محکوم شدند، اما در این بین اتفاقات حائز اهمیتی رخ می دهد که گوشه ای از آنرا به رغم آگاهی خوانندگان با یکدیگر مرور می کنیم : این روزها در هر نقطه جهان بحث در خصوص فاجعه انسانی شاخ آفریقا است که افکار عمومی دنیا را شدیداً تحت تاثیر خویش قرار داده است همانگونه که می دانید سه مبحث "تهییج" ، "افناع" و "القاء" در علوم ارتباطات نوین دنیا از اهمیتی والا برخوردارند و در عین حال کلیه ابزار ارتباطی که در کشورهای توسعه یافته و صاحب تکنولوژی تولید می شوند به نوعی در راستای کمک و تسهیل سازی در مقبولیت بهتر این سه بحث بکار می

روند) می توان به پرده آبی و پادکست به عنوان نمونه هایی از این دست اشاره کرد). در خصوص اما و اگرهای مرگ بن لادن چگونگی توزیع یک کلیپ کاملا مشکوک در شبکه های اجتماعی نظیر: فیس بوک و یوتیوب و اینکه میلیونها کاربر در عرض کمتر از چند ثانیه جسد غرق در خون بن لادن را مشاهده نمودند معجزه "القاء" در بستر وب مشهود بود که به سادگی صورت پذیرفت و علیرغم اینکه اینترنت همچنان به عنوان فراگیرترین رسانه شناخته نمی شود (رادیو همچنان فراگیرترین رسانه محسوب می شود) کاملا افکار عمومی را در سایه تاریک خویش گرفت، "تهییج" و دامن زدن بر هیجانات مردم تحت عنوان فاجعه انسانی شاخ آفریقا در حالی صورت می پذیرد که سالیان متمادی است جامعه جهانی به جنگ و خونریزی بدوی در آفریقا اعتراضی ندارد و همچنان کشورهای گروه هشت از حکومتهای دست نشانده و آشوب طلب در آفریقا شدیداً حمایت میکنند ، مرگ هزاران انسان طی چند سال گذشته به واسطه گرسنگی در کشورهای نظیر اتیوپی هیچ واکنش جدی به همراه نداشته است و تنها امروز بواسطه مشکلات عدیده اقتصاد جهانی سعی در انحراف افکار عمومی به سمت گرسنگان شاخ آفریقا و یا محاکمه مبارک در مصر (آن هم در قفس!!) دارند و این گونه "تهییج" افکار عمومی و استفاده از حس انساندوستی برای نیل به اهداف خاص بکار می رود ، اما در انگلستان و آلمان با استفاده از تکنیکهای خاص تصویری و به نمایش گذاردن اعتراضات خیابانی افکار عمومی جهان را به این سمت سوق داده اند که کلیه این آشوبها تنها توسط عده معدودی اغتشاش طلب صورت پذیرفته و جامعه انگلستان به

خودی خود با کلیات این اعتراضات مخالف است!! "القاء" این مطلب به افکار عمومی با استفاده از شبکه های قدرتمند خبری تلویزیونی و نیز رسانه های دیجیتال چنان با سرعت صورت می پذیرد که قابل وصف نیست اما نکته قابل تامل عام بودن استفاده از "شبکه اجتماعی" است در عین حال که دولتمردان غربی زمام امور را به شکل غیر محسوس بدست گرفته و هر آنچه که مدنظر دارند منتشر می کنند اشخاص حقیقی نیز با انتشار یک فیلم ساده که با تلفن همراه ضبط شده است (در یوتیوب یا فیس بوک) به ناگاه تمام رشته ها را پنبه می کنند و این خود ضعف عمیق در مقابله با جرایم سایبری را گوشزد می کند تجربه نشان داده حتی فیلترینگ کامل نیز نمی تواند احتمال وقوع جرم را در فضای سایبری از بین ببرد، حال باید دید در این جنگ عوام و خواص در بستر وب چه کسی برنده نهائی خواهد بود، آیا خواص (شما بخوانید طبقه ایت یا همان نخبگان جامعه) با استفاده از رسانه های دیجیتال و ابداع تکنیکهای خاص می توانند جریان افکار عمومی را بیش از پیش تسخیر کرده و به سمتی که می خواهند سوق دهند و یا این عوام هستند که در بستر وب با مقابله ای آشکار جریان سازی کرده و بر اقدام تسخیری خواص غلبه خواهند کرد.